بدون عنوان

شماره پرسش: ۸۱۰

تاریخ ارسال پرسش: ۰۶:۰۰:۰۰ ۱۳۸۹/۹/۱۱

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز در کتاب "از برهان تا عرفان" صفحه ۳۹ مرقوم فرموده اید : " پذیرفتن چیزی که نه محسوس است و نه معقول ، یک نحوه خرافه گرایی است." آیا مثلاً در گذشته که به دست آوردن انرژی هسته ای نه محسوس بوده و نه معقول یک نحوه خرافه گرایی بوده ؟ یا مثال های زیاد دیگری از این دست . و آیا جمله ی به کار رفته در کتاب نیاز به اصلاح دارد یا نه ؟ البته می دانم منظور این جمله خرافاتی از قبیل غول و شانس و ... می باشد ولی ظاهر جمله کلیت دارد .

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: وقتی گفته می‌شود فلان چیز معقول نیست یعنی عقل به وجود آن اذعان ندارد، موضوع انرژی هسته‌ای به عنوان یکی از نیازهای زندگی از موضوع بحث خارج است چون در فلسفه از موجود بما هو موجود بحث می‌کند و نیازهای زندگی مربوط به نسبتی است که ما با اشیاء پیدا می‌کنیم و از اعتباریات است که موضوع فلسفه قرار نمی‌گیرد. عین وجود از آن جهت که عین وجود است با تجلیات خود مخلوقات ایجاد را ایجاد می کند ولی در موطن عالم ماده که برای پدیدآمدن موجودات شرایط زمانی و مکانی مخصوص نیاز است خداوند برای ایجاد آن موجودات ابتدا شرایط آن موجودات را فراهم می‌کند و به اصطلاح سببِ سبب را ایجاد می‌کند تا سبب ایجاد شود. در این مورد خوب است به کتاب عدل الهی شهید مطهری«رحمةالله‌علیه» رجوع فرمایید. موفق باشید